

• دریافت ۹۶/۰۹/۲۰

• تأیید ۹۸/۰۴/۰۱

آموزه‌های عرفانی عبدالخالق غجدوانی

(بررسی نسخه‌شناسی و تحلیل وصیت‌نامه مؤسس طریقت خواجگان)

مرضیه راغبیان*

محمد رضا موحدی**

چکیده

از عبدالخالق غجدوانی، عارف مشهور سده ششم قمری و مؤسس «طریقت خواجگان»، وصیت‌نامه‌ای خطاب به خواجه اولیاء باقی مانده که با وجود نسخ متعدّد، تاکنون بررسی نشده است. اهمیت این وصیت‌نامه کوتاه، از آن جهت است که قدیمی‌ترین مکتوب موجود از طریقت خواجگان و بیانگر اصول این طریقت از زبان مؤسس آن است. منابع و فهرس، در معرفی آثار غجدوانی دچار اشتباه شده و از سویی چندین اثر را به خواجه نسبت داده‌اند و از سوی دیگر، با ذکر نام‌های متفاوت برای وصیت‌نامه، سبب شده‌اند این اثر - به اشتباه - چند مکتوب جداگانه دانسته شود. همچنین با بررسی نسخ مختلف وصیت‌نامه، مشخص می‌شود که برخی از کاتبان به شرح و تفصیل یا مجمل کردن سفارش‌های خواجه پرداخته و مسبب گمراه شدن منابع در معرفی اثر شده‌اند. در این مقاله، ضمن معرفی و تصحیح وصیت‌نامه مذکور، سعی شده با بررسی نسخ موجود و تحلیل محتوایی و سبک‌شناختی آن، اغلاط راه یافته در فهرس برطرف شود و بازشناسی صحیحی با حذف اشتباه در تعدد منابع منتسب به غجدوانی، صورت گیرد.

کلید واژه‌ها:

عبدالخالق غجدوانی، وصیت‌نامه، طریقت خواجگان، نقش‌بنده، تصوف قرن ششم.

ma.raghebian@gmail.com

movahedi1345@yahoo.com

* دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم، قم، ایران.

مقدمه

از مشایخ طریقت خواجگان (تا پیش از خواجه بهاء‌الدین نقشبند) تاکنون اثری معرفی و شناسایی نشده^۱ و عمده اطلاعات ما درباره این طریقت، از منابع پس از بهاء‌الدین است که خواجه عبدالخالق غجدوانی را به عنوان نخستین پیر و مؤسس طریقت «نقشبندیه» معرفی کرده‌اند. به همین سبب، دانسته‌های ما از غجدوانی و طریقت خواجگان تا پیش از بهاء‌الدین نقشبند، در هاله‌ای از ابهام و آمیخته با اشتباهات فراوان است.

طبیعتاً تصحیح و بررسی نسخ خطی باقی‌مانده از این طریقت، اطلاعات راهگشایی در حل این ابهامات عرضه خواهد کرد. یکی از نسخ راهگشا، وصیت‌نامه‌ای است که از غجدوانی باقی مانده و تا کنون بررسی، نسخه‌شناسی و چاپ نشده است.

در این نگارش، تلاش شده ضمن معرفی این اثر، نشان داده شود منابع و فهرس در معرفی آثار غجدوانی دچار مشکل شده و چندین اثر را به اشتباه از خواجه دانسته و ما را در شناسایی این عارف مشهور و مؤسس طریقت مهم، دچار اشتباهات فراوان کرده‌اند. همچنین بررسی و تحلیلی روی نسخ مختلف وصیت‌نامه صورت گرفته و دستکاری‌های فراوان کاتبان در مفصل یا مجمل کردن وصیت‌نامه، نشان داده شده است.

در کتب تذکره و تاریخ تصوف، هنگام برشمردن پیشکسوتان سلسله خواجگان - که بعدها به نقشبندیه معروف شده - پس از معرفی شیخ ابوعلی فارمدی و خواجه یوسف همدانی، سومین شخصیت از مشایخ بزرگ صوفیه در قرن ششم و سرحلقه طریقت خواجگان را «عبدالخالق غجدوانی» معرفی می‌کنند.

خواجه عبدالخالق غجدوانی سعی کرد بنای طریقت خواجگان و قواعد سیر و سلوک آن را در هشت اصل به زبان فارسی تدوین کند که تا آن زمان در عالم عرفان چنین ابتکاری سابقه نداشته است (کاشفی، ۱۳۵۶: ۴۷). این هشت اصل عبارتند از: ۱. هوش در دم، ۲. نظر بر قدم، ۳. سفر در وطن، ۴. خلوت در انجمن، ۵. یادکرد، ۶. بازگشت، ۷. نگاهداشت و ۸. یادداشت. بعدها خواجه بهاء‌الدین نقشبند، سه اصل را بر این هشت اصل اضافه کرد و اصول یازده‌گانه طریقت نقشبندیه شکل گرفت. سه اصلی که خواجه بهاء‌الدین افزود، چنین است: وقوف عددی، وقوف زمانی و وقوف قلبی (خواجه پارسا، ۱۳۵۴: مقدمه ۵۵).

در حقیقت بهاء‌الدین نقشبند، همان طریقت «خواجگان» را که غجدوانی بنا نهاده بود، ادامه داد و تنها دو اصل بر هشت اصل طریقت وی افزود. تا مدتی پس از بهاء‌الدین هنوز بیشتر

عنوان «خواجگان» برای این طریقت به کار می‌رفت و بعدها به احترام خواجه بهاء‌الدین، نامش به طریقت «نقشبندیه» تغییر یافت.

۱. آثار عبدالخالق غجدوانی

صاحبیه

رساله صاحبیه، متنی کوتاه در بیان مقامات مرشد و پیر خواجه عبدالخالق، ابویعقوب یوسف بن ایوب همدانی است. این رساله به کوشش سعید نفیسی، در فرهنگ ایران زمین، دفتر ۱ و ۲، به چاپ رسیده. نفیسی این رساله را بر اساس نسخه دانشگاه تهران، به شماره ۶۴۷۸، بازخوانی و بررسی کرده است. اما جز این نسخه، دو نسخه دیگر، یکی متعلق به کتابخانه مرعشی نجفی به شماره ۱۲۵۳۷/۱ (کتابت قرن ۱۳) و دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ۱۹/۱۰۲۳۱ (تاریخ کتابت نامشخص) شناسایی شده که نفیسی از آنها استفاده نکرده است (درایتی، ۱۳۹۰: ۲۱/۳۲۸ و ۳۲۹).

وصیت‌نامه

این رساله با نام‌های «آداب طریقت»، «وصایای غجدوانی»، «وصایا»، «رشحات»، «نصایح»، «آداب» و... نیز معرفی شده و دست‌کم دو بار در ضمن مکتوبات دیگری (بدون بررسی)، به چاپ سنگی رسیده است.^۲ همچنین استاد نجیب‌مایل هروی این وصیت‌نامه کوتاه را به ضمیمه اوصاف الاشراف خواجه نصیرالدین طوسی، بدون تحلیل و بررسی و با یک نسخه محفوظ در کتابخانه آستان قدس به شماره ۱۰۴۵۰، در سال ۱۳۶۱، به تعداد محدود، منتشر کرده‌اند. این اثر، رساله مختصری است که عبدالخالق غجدوانی (مؤسس طریقت خواجگان) در آن، مرید و فرزند معنوی‌اش، خواجه اولیاء کلان را به جوامع کلم و دستورات سلوک امر فرموده است. با بررسی چندین نسخه از وصیت‌نامه و نیز معرفی آنها در فهارس، چند نکته، مشخص یا دست‌کم محتمل می‌شود:

نخستین و فاحش‌ترین اشتباه، اختلاط این اثر با آثار هم نام یا حتی غیر هم‌نام است. گذشته از آن که آثار نامرتبلی را به غجدوانی نسبت داده‌اند که از او نیست، در چند مورد در فهارس مشاهده شد که اثری را با نامی متفاوت، رساله دیگری از خواجه تصور کرده‌اند؛ در حالی که همین وصیت‌نامه است. در این نگارش هم تلاش و هدف اصلی بر بازشناسی و مشخص شدن این اشتباهات است که سبب شده چندین اثر مجهول، به عارف مشهور قرن ششم و هفتم نسبت

داده شود و اطلاع از احوال و آثار غجدوانی را با نسبت دادن آثاری متفاوت و بی ربط، با ابهامات بسیار همراه کند. در ادامه، به این مسأله پرداخته شده است.

از سوی دیگر، چنان‌که در ابتدای معرفی اثر هم ذکر شد، وصیت‌نامه را در آثار و فهرس مختلف، با نام‌های متفاوتی شناسایی و معرفی کرده‌اند.

همچنین آغاز و انجامی که از هر نسخه خطی این رساله در فهرست‌های نسخ خطی ذکر شده، گاه کمی متفاوت است. به همین سبب در حد توان، نسخ مختلف این رساله، دیده و بررسی شد و این فرضیه بیشتر به اثبات نزدیک شد که گویا نسخه مکتوبی از این وصایا در دست نبوده است. ظاهراً مریدان خواجه، وصایا را شفاهی از وی شنیده و دهان به دهان نقل یا مکتوب کرده‌اند؛ یا اگر هم وصایا مکتوب بوده، کمتر در دسترس یافت می‌شده و به ویژه در دوره‌های بعد - که طریقت نقشبندی، توسط بهاء‌الدین نقشبند و بر پایه اصول خواجه عبدالخالق غجدوانی شکل می‌گیرد - معتقدان این طریقت در گوشه و کنار، افزون می‌شوند و علاقه به مکتوب کردن و در دسترس داشتن این وصایا، سبب می‌شود در طول زمان، وصایای عبدالخالق توسط معتقدان و دوستدارانش، بازنویسی شده و به آثار مختلف عرفانی، الصاق شود. بالطبع هر بار زبان، بیان و شیوه نگارش، تغییراتی داشته است. اما تقریباً در تمام نسخ بررسی شده، زبان رساله، ساده با جملاتی کوتاه و به دور از آرایه‌های ادبی است.

نکته دیگری که با بررسی نسخ مختلف وصیت‌نامه مشخص می‌شود، این که نسخ موجود را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

نخست کاتبانی هستند که به آنچه مکتوب دیده یا شنیده‌اند وفادار مانده و بیشترین حجم از نسخ باقی‌مانده را تشکیل می‌دهند. نسخه‌های دانشگاه تهران به شماره ۸۶۳۲/۲ و آستان قدس به شماره ۱۰۴۵۰/۶، از جمله نسخی هستند که می‌توان در این دسته‌بندی گنجانده.

گروه دوم کاتبانی هستند که خود به شرح این وصایا پرداخته و بر حجم و توضیحات آن افزوده‌اند. برای این مورد می‌توان نسخه‌ای از این اثر متعلق به کتابخانه مجلس و به شماره ۱۷۹۲۰ را نام برد که نویسنده ضمن ذکر وصایا با شیوه بیان و قلم خود، به شرح و توضیح هر مورد پرداخته و حجم رساله را به پانزده برگ رسانده است. همین شرح و توضیح نویسنده بر وصایای عبدالخالق، سبب شده فهرست‌نویس، این رساله را اثری دیگر از عبدالخالق غجدوانی، تصور کند (ر.ک: حسینی اشکوری، ۱۳۹۱: ۴۹/۱۱۹).

عده دیگری از کاتبان، اصل وصایا را با اختصار زیاد، در حجمی کم، نگاشته‌اند. برای این

مورد هم می‌توان به نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۳/۱۶۱۴۷ اشاره کرد که در نیم صفحه، بن‌مایه‌های وصیت را به اختصار آورده است.

۲. معرفی مختصر نسخ شناسایی شده وصیت‌نامه

۱. نسخه دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ۸۶۳۲/۲؛ با عنوان «رساله در آداب طریقت»:^۲
خط: نستعلیق، کاتب: محمد بن سلطان محمد شیرغانی، تاریخ کتابت: ۲ رمضان ۹۹۸؛ پنج برگ (۱۲۰ - ۱۲۴ پ)، (دانش‌پژوه، ۱۳۶۴: ۱۶۴).
۲. نسخه آستان قدس رضوی مشهد؛ شماره نسخه: ۱۰۴۵۰/۶؛ با نام «وصایای غجدوانی»:^۴
خط: نسخ خوش؛ کاتب: محمد تبریزی، تاریخ کتابت: ۹۹۹ق، ۱۶ سطر (نجیب مایل هروی و اردلان جوان، ۱۳۶۱: ۲۳۱ - ۲۳۳).
۳. نسخه دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ۲۴۶۴/۱۸؛ با نام «آداب»:^۵
خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: سده ۱۱ ق، چهار برگ (۱ - ۴ حاشیه یکم)، (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ۹/۱۲۰۴).
۴. نسخه کتابخانه ملک / شماره نسخه: ۴۱۸۵/۱۱؛ با نام «نصایح»:
نستعلیق سده یازدهم، عنوان و نشان سنگرف، ۲ برگ، ۱۷ س. این نسخه دو برگ، ناقص و بخشی از رساله وصیت‌نامه عبدالخالق است (افشار و دانش‌پژوه، ۱۳۶۹: ۷/۲۳۴).
۵. نسخه کتابخانه مجلس؛ شماره نسخه: ۳۹۱/۱۹؛ با نام «آداب و طریق سلطان مشایخ عبدالخالق غجدوانی»:^۶
مجموعه شماره ۳۹۱، دارای ۳۷ رساله فارسی و عربی است که رساله حاضر، نوزدهمین رساله آن است (دانش‌پژوه و انواری، بی‌تا: ۱/۲۳۶).
۶. نسخه کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی؛ شماره نسخه: ۳۳۱۲/۱ - ۱۷/۹۲؛ با نام «وصایای غجدوانی»:
خط: نستعلیق، تاریخ کتابت، قرن دوازدهم، بدون نام کاتب، ۷ برگ، ۷ سطر (صدرایی خوبی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۷/۴۹۳۳ و ۴۹۳۴).
۷. نسخه کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ۲۵۱/۱ - ج. با نام «آداب طریقت»:^۷
کاتب: عبدالله کشمیری بخاری، محل کتابت: بخارا، تاریخ کتابت: سه شنبه ۱۵ صفر ۱۲۵۹،

۵ برگ (۳۶ پ - ۴۰ پ) (دانش پژوه، ۱۳۳۹: ۴ و ۵).

۸. نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی؛ شماره نسخه: ۱۲۵۳۷/۲؛ با نام «آداب طریقت یا وصیت‌نامه یا رشحات»:

خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: سده ۱۳ ق، در ۵ برگ (۱۴ - ۱۸)، تعداد سطر: ۱۳، نسخه اندکی حاشیه‌نویسی دارد. (بخش نخست مجموعه ۱۳۳۵۷، رساله «صاحبیه» عبدالخالق غجدوانی است) (مرعشی و فهرست‌نگاران، ۱۳۸۲: ۳۱/۵۸۹).

۹. نسخه کتابخانه مجلس؛ شماره نسخه: ۱۷۹۲۰؛ با نام «وصیت‌نامه»^۸
خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: سده سیزدهم، نام کاتب: نامشخص، ۱۵ برگ (حسینی اشکوری، ۱۳۹۱: ۴۹/۱۱۹).

۱۰. نسخه کتابخانه مسجد گوهرشاد/ شماره نسخه: ۸۰۷/۳؛ با عنوان «آداب طریقت»:
خط: نستعلیق خوش، تاریخ کتابت: تاریخ کتابت نخستین رساله از مجموعه، ۱۰۵۹ ق. است و بقیه رساله‌ها بدون تاریخ است. کل مجموعه دارای ۴۶ برگ، رساله آداب طریقت که سومین رساله از مجموعه است، در چهار صفحه آمده و ۱۶ سطر است (فاضل، ۱۳۶۷: ۳/۱۰۹۴).
۱۱. نسخه کتابخانه دانشگاه تهران؛ شماره نسخه: ۸۵۷۳/۱۲؛ با عنوان «نصایح یا آداب طریقت»:

خط: نستعلیق، کاتب: سید احمد خرسوه، تاریخ کتابت: ۱۲۶۱، یک برگ (۱۳۴ ر و پ) (دانش پژوه، ۱۳۶۴: ۱۱۷/۱۶۴).

۱۲. نسخه کتابخانه مجلس؛ شماره نسخه: ۱۶۱۴۷/۳؛ با نام «وصیت‌نامه خواجه عبدالخالق غجدوانی که جهت فرزند معنوی خود، خواجه اولیاء کبیر فرموده»:

خط: نستعلیق به خطوط مختلف راسته یا چلیپا. کاتب: زین‌العابدین شریف نائینی فرزند ابوالبقا (کلانتر نائین)، تاریخ کتابت: رجب ۱۱۷۹ ق، ۱ صفحه.

عناوین و نشانی‌ها شنگرف، جلد: چرم مشکی^۹ (حسینی اشکوری و بیگ‌باباپور، ۱۳۹۰: ۴۵/۳۶).

۱۳. نسخه کتابخانه ملی ایران؛ شماره نسخه: ۹۳۳۸/۵؛ با نام «در ذکر وصیت‌نامه خواجه عبدالخالق غجدوانی به خواجه اولیاء کبیر که فرزند معنوی ایشانند و بیان سیزده کلمه نیز از کلمات قدسی آیات ایشان است»:

خط: نستعلیق، کاتب: بدون ذکر نام کاتب، تاریخ کتابت: در نسخه ذکر نشده، ۱۳ صفحه

- ۹۳ پ - ۱۰۵ پ)، ۱۳ سطر. توضیح: وصیت‌نامه عبدالخالق غجدوانی در حدود ۲ صفحه آمده و ۱۱ صفحه بعدی در بیان سیزده کلمه از کلمات خواجه عبدالخالق است.^{۱۰}
۱۴. پاکستان، لاهور، دانشگاه، شیرانی / شماره نسخه: ۴۶۷۳/۱۶۲۳/۷: نوشته ۸۴۸ هـ (۲۹ آگوست ۱۴۴۴ م.) در هرات مدرسه نظامیه. در آغاز نسخه نوشته‌اند: وصایای حضرت ... عبدالخالق (بشیرحسین، ۲: ۲۱۵) (منزوی، ۱۳۶۳: ۳/۱۴۱۴).
۱۵. پاکستان، لاهور، دانشگاه، شیرانی / شماره نسخه: ۴۶۷۳/۲/۱۶۲۳: با نام: «وصایای خواجه عبدالخالق»:
- تاریخ کتابت: ۸۴۷، کاتب: عبدالحی (منزوی ۱۳۶۳: ۴/۲۴۹۴).
۱۶. پاکستان، لاهور، دانشگاه، شیرانی / شماره نسخه: ۴۶۵۸/۲/۱۶۰۸: با نام: «وصایای خواجه عبدالخالق»:
- تاریخ کتابت: ۳ صفر ۸۶۵ هجری (همان‌جا).
۱۷. پاکستان، کراچی، موزه ملی / شماره نسخه: ۱۹۵۸-۲۱۲/۲-۱: N.M. به نام «وصیت‌نامه غجدوانی»:
- تاریخ کتابت: ۱۲۴۵ هجری، آغاز: الحمدلله... بدان ای سالک طریق آخرت! که این کتابی ست از عین تحقیق شریعت و طریقت صادر شده است... (همان‌جا).
۱۸. مؤسسه شرق‌شناسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، تاشکند / شماره نسخه: II/۵۰۰: با عنوان «وصیت‌نامه در آداب طریقت»:
- تاریخ کتابت: ۱۲۵۱ هـ، دو برگه (۱۸ ر - ۱۹ ر)، اندازه برگ‌ها: ۱۵/۵ × ۲۵/۵ (المعجم المفهرس للمخطوطات العربیه و الاسلامیه فی طشقند، ۱۹۹۹ م: ۱۳۰ - ۱۳۱).
۱۹. مصر: قاهره، به شماره ۲۵ (مجامیع فارسی طلعت)؛ با نام «رساله فی آداب الطریقه»:
- نسخه مخطوطه، قلم عادی، بدون تاریخ، چهارمین رساله از مجموعه است، ص ۶ پ - ۹ پ، ۱۷ سطر ۱۱×۱۸ سانتی‌متر (فهرس المخطوطات الفارسیه، ۱۹۶۶ م: القسم الاول / ۲۲۳).
۲۰. مصر: قاهره، به شماره ۲۰ (تصوف فارسی)؛ با نام «وصایای خواجه عبدالخالق غجدوانی»:
- نسخه مخطوطه، به قلم فارسی، بدون تاریخ، دومین رساله از مجموعه است، برگ ۱۳۰ - ۱۳۵، ۱۲ سطر ۱۲×۱۷/۵ سانتی‌متر (فهرس المخطوطات الفارسیه، ۱۹۶۶ م: القسم الاول / ۲۳۶).
۲۱. ترکیه: استانبول، به شماره ۳۲۲۹؛ با نام «وصیت‌نامه عبدالخالق»:

این رساله، دومین رساله از «مجموعه الرسائل» است که در صفحات ۱۰ - ۱۶ این مجموعه آمده. مجموعه به خط نسخ و نستعلیق، در ۸۷ برگ، در کتابخانه ولی‌الدین افندی، نگهداری می‌شود (توفیق هـ سبحانی، ۱۳۷۳: ۵۸۳).

۲۲. ترکیه: استانبول، به شماره ۵/۳۷۰۲؛ با نام «وصایای عبدالخالق غجدوانی»:
این رساله در کتابخانه اسعد افندی نگهداری می‌شود (قره بلوط، علیرضا و احمد طوران قره بلوط، (بی‌تا): ۱۵۵۰/۲).

۲۳. ترکیه: تیره، به شماره ۱۲/۳۳۳؛ با نام «آداب طریقت»:
این رساله در صفحات ۳۸۶ - ۳۸۷ و در دوازدهمین بخش از یک مجموعه خطی آمده است. مجموعه در سال ۱۰۶۱ کتابت شده و در کتابخانه نجیب پاشا نگهداری می‌شود (قره بلوط، علیرضا و احمد طوران قره بلوط، (بی‌تا): ۱۵۵۰/۲).

۳. اصلاح اشتباهات در معرفی آثار غجدوانی

کلمات عبدالخالق غجدوانی

در جلد دوم از فهرست گنج‌بخش آمده است: «از خواجه عبدالخالق غجدوانی در پایان آن آمده که از «خلاصه اخوان الصفا» گرفته شده است، در یازده کلمه: هوش در دم، نظر بر قدم، ... (فهرست گنج‌بخش، ۷۶۲/۲؛ برگرفته از منزوی، ۱۳۶۳: ۱۸۰۸/۳).

از همین توضیحات اندک فهرست، مشخص می‌شود که این اثر، هیچ یک از دو رساله «صاحبیه» و «وصیت‌نامه» نیست. همچنین روشن است که رساله یاد شده، به یقین از عبدالخالق غجدوانی نیست؛ زیرا اصول طریقت خواجگان را بر یازده اصل دانسته است، در حالی که در معرفی طریقت خواجگان، یاد کردیم که عبدالخالق، اصول این طریقت را بر هشت اصل بنا نهاد و پس از او، بهاء‌الدین نقشبند، با اضافه کردن سه اصل بر این اصول هشتگانه، این طریقت را با تغییراتی، احیا کرد. به این ترتیب این رساله حتماً در دوره‌های بعد از بهاء‌الدین نقشبند، نوشته و به نام عبدالخالق شده است.

پاس انفاس؛ دم و قدم؛ هوش در دم

در جلد سوم از فهرست مشترک درباره نسخه حاضر آمده که: «به روایت از خواجه عبدالخالق غجدوانی آغاز می‌شود. درباره هشت سخن خواجگان... به نثر آمیخته به نظم... در آن از شرح رباعیات جامی نقل می‌کند» (منزوی، ۱۳۶۳: ۱۳۲۸/۳).

با اینکه رساله «پاس انفاس» بر خلاف رساله قبلی، اصول طریقت را به شیوه غجدوانی، هشت اصل ذکر کرده، به دو دلیل می‌توان در صحت انتساب رساله به خواجه عبدالخالق، آن هم به عنوان یک رساله مجزا از صاحبیه و وصیت‌نامه، تشکیک کرد: ۱. تعبیر «به روایت از خواجه... آغاز می‌شود»، خود حاکی از وجود واسطه یا واسطه‌هایی میان راوی و خواجه است؛ ۲. یاد کردن از «شرح رباعیات» جامی در این یادداشت، با علم به اینکه جامی سال‌ها پس از غجدوانی زیسته است.

حقایق‌الایمان و دقایق‌العرفان

با مقایسه آغاز نسخه، به وضوح می‌توان پی برد که «حقایق‌الایمان و دقایق‌العرفان»، اثری جداگانه از عبدالخالق نیست، بلکه همان وصیت‌نامه خواجه است. مشخص نیست از کجا چنین نامی برایش انتخاب شده است. تک نسخه‌ای که از آن در دانشگاه لاهور نگهداری می‌شود، در قسمت نسخه‌های خارج از کشور، وصیت‌نامه، معرفی می‌شود.

آداب طریقت: آداب سجاده‌نشینی، طریقت‌نامه

فهرست‌نویس در ابتدای معرفی آورده است: «ناشناخته. نسخه‌ها یکی نیستند.» و ذیل این عنوان، پنج نسخه متفاوت را ذکر کرده. مغشوش بودن و تفاوت فاحش نسخه‌هایش با یکدیگر، در همین گزارش کوتاه فهرست‌نویس، مشخص است و متأسفانه فهرست‌نویس از یک سو این نسخه‌ها را به صرف یکی بودن نام‌هایشان در یک دسته آورده و از سوی دیگر، به صرف اینکه در برخی از آثار، وصیت‌نامه خواجه با عنوانی دیگر، یعنی «آداب طریقت» ذکر شده، همه این نسخه‌های متفاوت را به او نسبت داده است.

وصایای خواجه عبدالخالق: وصیت‌نامه غجدوانی

از معرفی‌ای که فهرست‌نویس از این اثر و نسخ آن ارائه داده، مشخص است نسخه‌هایی که ذیل این عنوان آمده، با سایر نسخ موجود از وصیت‌نامه عبدالخالق غجدوانی، هماهنگی دارد و همان اثر است. اما فهرست‌نویس این اثر را تحریر دیگری از «آداب طریقت» دانسته و به همان معرفی و ذکر نسخ مغشوش این اثر - که در بالا ذکر شد - ارجاع داده است. از آنجا که نسخ یاد شده در این قسمت، مربوط به وصایای خواجه است، ذکر آنها را در بخش معرفی نسخ خارج از کشور وصایای می‌آوریم (منزوی، ۱۳۶۳ / ۲۴۹۴: ۴).

۴. ویژگی‌های زبانی

وصیت‌نامه عبدالخالق به شیوه متون عرفانی، نثری مرسل، زبانی ساده، جملاتی کوتاه و به دور از صنایع و کلمات عربی دارد. در این وصیت‌نامه، قصد تعلیم و تفهیم مطلبی نبوده است و همه سفارش‌ها در نهایت اختصار و ایجاز، به روشنی، سادگی و به صورت کلی بیان شده‌اند؛ به همین دلیل زبان و نحوه بیان مطالب این متن کوتاه را نمی‌توان با سایر متون عرفانی پیش یا پس از آن مقایسه درخوری کرد؛ از این رو، به یک بررسی زبانی کوتاه و سپس تحلیل محتوایی بن‌مایه‌ها، اکتفا می‌شود.

از مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی این وصیت‌نامه، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- تمامی جملات کوتاه وصیت‌نامه به صورت امری و بیشتر به حالت نفی بیان شده‌اند: «در قباله‌ها نام خود منویس و در محکمه حاضر مشو و با سلطان منشین و در وصیت‌ها مرو» (نسخه آستان قدس (کا): ۴).

- جملات همگی با واو عطف پیوند خورده‌اند: «وظایف عبادات ملازمت کنی و مراقبت نمایی احوال خود را و دایم از خدای ترسان باشی و...» (نسخه کا: ۳).

- کثرت کاربرد را: «حقوق خداوند را و حق رسول را و حق مادر و پدر را و حق جمیع مشایخ را نگاه داری» (نسخه کا: ۳).

- تکرار و عدم حذف به قرینه: «و بر تو باد که ملازمت سنت کنی که هر چه محدث است و بدعت است، گمراهی است» (نسخه کا: ۵).

- کاربرد مصدر به جای فعل بود: «نمی‌دانی که از کدام طایفه خواهی بودن» (نسخه کا: ۶).

۵. تحلیل بن‌مایه‌های وصیت‌نامه

بن‌مایه‌های این وصیت‌نامه، حاوی نکات ریز و درشت بسیاری است. اما شاید بتوان برخی از مهم‌ترین آنها را در بندهای زیر، خلاصه کرد:

۱. تقوا:

«تقوا احتراز از عقوبت حق است به وسیله گردن نهادن و اطاعت از او و انجام طاعات و آن صیانت نفس است از آنچه مستوجب عقوبت شود، اعم از فعل و یا ترک فعل... و گفته‌اند: ترک حظوظ نفس و مابینت نهی است و گفته‌اند: تقوی آن است که در وجود خود، چیزی جز خدای نبینی... (ترجمه از جرجانی، ۱۳۰۶: ۳۹).

در وصیت‌نامه در این باره چنین آمده: «بدان که اول مقام سالکان طریقت، تقواست و تو را وصیت می‌کنم که تقوا را شعار خود سازی» (نسخه آستان قدس به شماره ۱۰۴۵۰: ۳).

۲. خوف:

«در اصطلاح توقع حلول مکروه یا قوات محبوب است.» و نزد ارباب سلوک، شرم از معاصی و مناهی و تألم از آن است (ترجمه از تهنوی، ۱۴۰۴ق: ۴۴/۱).
در وصیت‌نامه در این باره جملات زیر آمده است: «و دایم از خدای ترسان باشی» (نسخه آستان قدس: ۳) و «دایم‌الحال از حق ترسان باشی و فراموش مکن که روزی در موقف خواهی ایستادن» (همان: ۴).

۳. ذکر و قرائت قرآن:

عبادی گوید: «ذکر، یاد کردن خداوند باشد و یاد کردن به زبان، بعد از نسیان باشد و این ذکر به جفا آمیخته است. یاد کردن به دل، یاد داشتن دوست است در همه احوال و در این ذکر، نسیان راه نیابد و این عین وفا باشد...» (عبادی به اختصار، ۱۳۴۷: ۷۶).
در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «و بر تو باد که خواندن قرآن را نمایی» (ص ۳) و «جماعت ترک مکن و نماز در شب و روز بسیار گذار» (نسخه آستان قدس: ۴).

۴. پیروی سلف صالح: الف - فقه و حدیث‌آموزی؛ ب - پرهیز از صوفیان جاهل:

در وصیت‌نامه در این باره چنین آمده است: «یک قدم از طلب علم دور مباش و علم فقه و حدیث بیاموز و از صوفیان جاهل دور باش که ایشان دزدان دین‌اند و راه‌زنان مسلمانانند» (نسخه آستان قدس: ۴).

۵. گریز از شهرت و اختلاط با خلق:

در وصیت‌نامه در این باره چنین آمده است: «با جوانان و زنان اهل بدعت و توانگران، صحبت مدار که دین برند و از دنیا به دو گروه راضی باش و از صحبت آدمیان با دو فقیر صحبت دار و ملازم خدمت خود باش» (نسخه کا: ۴) و «در قباله‌ها نام خود منویس و در محکمه حاضر مشو» (نسخه کا: ۴) و «در وصیت‌ها مرو و از مردمان گریزان باش، همچنان که از شیر می‌گریزی و بر تو باد که گمنام باشی تا دین به دنیا ندهی» (نسخه آستان قدس: ۴).

۶. عدم مصاحبت با ملوک:

«... و صحبت پادشاهان به سمع و طاعت کند، آلا در معصیت خدای تعالی یا در مخالفت سنتی و او را دعا گوید و خاموش شود از چیزی که در آن خلل وی باشد، زبان خود نگاه دارد و مدارات کند سلطان را. اما پیش ایشان رفتن، اگر عادل است که خدای تعالی در سایهٔ عرش بدارد و آن کسی که ظالم باشد، از او دوری جستن واجب است، مگر کسی که بیچاره باشد یا از بهر نصیحتی یا از بهر آن که او را از بدی منع کند؛ به شرط آن که غالب حال داند که به سلامت تواند بودن از نزدیکی پادشاه» (ترجمه از سهروردی، ۱۳۶۳: ۱۰۸ و ۱۰۹).
در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «با سلطان منشین» (نسخهٔ آستان قدس: ۴).

۷. ملازمت خلوت:

«گفته‌اند: تنها شدن به خلوت، جامع‌تر بود دواعی سلوت را» (ترجمه از قشیری، ۱۳۷۴: ۱۵۵).
«درجهٔ هفتم (از اعمال اوساط) خلوت است. بدان که روندهٔ طریقت چون در میان غوغای مردم افتد، خاطر او مشوش گردد و غبار زحمت اغیار بر خاطر افتد و مانند غمامی گردد که حاجز شود میان بصیرت و نور معرفت و از هر بنده ای خلوت راست نیاید که خلوت‌ها را آفات است و فایده‌ها (عبادی، ۱۰۷: ۱۳۴۷).

در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «از مردمان گریزان باش، همچنان که از شیر می‌گریزی! و بر تو باد که گمنام باشی تا دین به دنیا ندهی.» (نسخهٔ کا: ۴) و «با مردمان انس مگیر» (همان: ۵) و «با هیچ کس از مخلوقات صحبت مدار که از حق تعالی دور افتی» (همان: ۵).

۸. پرهیز از شبیهه:

«هرگاه اشکال مکاشفات در قوت ظهور مشتبه گردد، خاطر مرید را مشوش می‌سازد به نعت تحیر در تمیز و شناخت حقایق آن و آن با معارضهٔ نفسانی همراه است. عارف گفت: ولی کامل آن را به آنچه در خود اوست از محک تجربهٔ حال و پرسش از سرِّ خاطر خود می‌شناسد. پیامبر (ص) فرمود: «دع ما یریبک الی ما لایریبک»: آنچه را که برای تو شبهه‌دار است، رها کن و به آنچه که شبهه‌ای ندارد بپرداز» (روزبهان بقلی شیرازی، ۱۴۲۶ق: ۲۴۹).

در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «بر تو باد که ملازمت سنت کنی که هر چه محدث است و بدعت است، گمراهی است و با جوانان و زنان اهل بدعت و توانگران، صحبت مدار که دین برند» (نسخهٔ آستان قدس: ۴) و «از حرام دور باش تا فردا در آتش دوزخ نسوزندت

و حلال پوش تا حلاوت یابی از عبادت و دایم‌الحال از حق ترسان باشی و فراموش مکن که روزی در موقف خواهی ایستادن» (همان: ۴).

۹. دوری از دنیا:

«اگر خواهی از مصطفی بشنو که درجه دنیا به چه حد می‌رساند در حقارت و نزارت؛ آنجا که گفت: «لو کانت الدنيا تزن عندالله جناح بغوضه ماسقی کافرا منها شربة ماء»، دنیا را کمتر از پر پشه‌ای می‌خواند به نسبت با عالم الهیت. حیات دنیا به نسبت با عمر آخرت، ذره‌ای نماید...» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۴۱: ۳۱۱).

در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «با مردمان انس مگیر و حق گوی و مترس و با هیچ کس از مخلوقات صحبت مدار که از حق تعالی دور افتی و بر تو باد که نفس خود را عزیز نداری و از آنچه تو را در کار نیست، زبان درکشی و دایم خلق را نصیحت کنی و طعام و شراب کم خوری و کم خسی و کم گویی و باید که دایم اندوهگین باشی و بدن تو بیمار و عمل تو صالح و خالص بود و دعای تو با مجاهده بود و جامه تو کهنه بود و رفیقان تو درویشان باشند و باید که خانه تو مسجد بود و مال تو نفقه بود و آرایش تو زهد بود و مونس تو خدای تعالی» (نسخه آستان قدس: ۵).

«باید که تو را دنیا مغرور نکند. باید که بداند که از دنیا به آخرت رحلت باید کرد و چندان که در دنیا باشی، تصور نمایی که غریبی و از دنیا چنان مجرد بیرون رو که آن روز که قدم در عالم نهادی، نمی‌دانی که از کدام طایفه خواهی بودن» (نسخه آستان قدس: ۵).

۱۰. پرهیز از ظاهر آرایبی:

در وصیت‌نامه در این باره چنین آمده است: «ظاهر خود را میارای که آراستن ظاهر از خرابی باطن است» (نسخه آستان قدس: ۵).

۱۱. عدم مجادله با خلق:

«از استاد ابوعلی شنیدم که گفت... خلق عظیم آن است که با هیچ کس خصومت نکند و کس را با او خصومت نباشد از قوت معرفت به خدای عزّ و جلّ. حسین منصور گفت: معنی آنکه جفای خلق را در تو اثر نکند. پس از آنکه حق بشناختی» (ترجمه از قشیری، ۱۳۷۴: ۳۹۰).

در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «با کسی که تو را مدح گوید، مغرور مشو و

به مذهب خلق غمگین مباش و باید که مدح و ذم خلق نزد تو یکی باشد و با مردم به حسن خلق معاملت کن و بر تو باد که گمنام باشی و با ادب با هر نیک و بد با جمیع خلائق رحمت کن» (نسخه آستان قدس: ۴).

۱۲. رعایت حق ذوی الحقوق و مشایخ:

«معنای حقوق، احوال و مقامات و معارف و ارادات و قصود و معاملات و عبادات است. طیالسی رازی گفت: چون حقوق ظاهر شود، حظوظ غیب پذیرد و چون حظوظ آشکار شود، حقوق غایب گردد» (سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۳۳۶).

«حقوق احکام عبودیتی ست که از حق بندگان را فرض است. حقیقتش تکلف عارف است در طهارت نفس از دون حق» (روزبهان بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۵۵۹).

در وصیت‌نامه نیز در این باره چنین آمده است: «دل‌های مشایخ را نگاه داری» (نسخه آستان قدس: ۴) و «حقوق خداوند را و حق رسول را و حق مادر و پدر را و حق جمیع مشایخ را نگاه داری» (همان: ۳) و «بیر از یاد بد را و بیپوش عیب را، خاصه از آن برادران مسلم. بردار رنج خویش را از خلق و بده داد اهل خانه خویش را و بستان بهشت را و باش با حق به صدق و با خلق به انصاف و با بزرگان به حرمت و با فرودستان به شفقت و با نفس به قهر و با دشمن به حلم و با دوستان به نصیحت و با علما به تواضع و با دوستان به نصیحت و با جاهلان به خاموشی» (همان: ۵).

نتیجه

با بررسی دقیق و بازخوانی چندین نسخه از رساله «وصیت‌نامه» غجدوانی که با نام‌های متفاوتی اعم از رساله در آداب طریقت، آداب، آداب و طریق سلطان مشایخ عبدالخالق غجدوانی، آداب طریقت، وصایای غجدوانی، و وصیت‌نامه، معرفی و فهرست شده‌اند و با بررسی و تحلیل اطلاعاتی که فهرس و منابع در مورد خواجه عبدالخالق غجدوانی و آثارش ارائه می‌دهند، مشخص می‌شود که تعدد آثاری که در منابع به خواجه نسبت داده شده، اشتباه است و از او تنها دو اثر با نام‌های صاحبیه و «وصیت‌نامه» موجود است. آثار نسبت داده شده عموماً همان وصیت‌نامه است که با نام‌های متفاوت در نسخ خطی ثبت شده و در منابع و فهرس، بدون بررسی، اثری جداگانه دانسته شده‌است. در چند مورد نیز این آثار منسوب، اصلاً از

عبدالخالق نیست و متعلق به پیروان خواجه در سده‌های بعدی است که در ابتدای آن تنها از خواجه عبدالخالق غجدوانی به عنوان پیر و مرشد این طریقت یاد کرده‌اند.

وصیت‌نامه خواجه نیز رساله‌ای کوتاه با زبانی ساده است که در آن از زبان عبدالخالق غجدوانی به فرزندی معنوی و وصی‌اش، خواجه اولیاء، سفارش‌هایی شده و بعدها کاتبانی به شرح و تفصیل یا اجمال آن پرداخته و وصیت‌نامه‌های مفصل با شرح و توضیح یا بسیار مجمل و کوتاه را به نام خواجه، بر جای گذاشته‌اند. اصول بیان شده در همه آنها یکی و مشخص است اجمال یا شرح توسط کاتبان یا نویسندگان آثار نقشبندیه که وصیت‌نامه را در ابتدای اثرشان آورده‌اند، صورت گرفته است. این تفاوت در حجم و بیان وصیت‌نامه که گاه با شرح و تفصیل و گاه به اجمال است نیز از دلایل نام‌گذاری‌های متفاوت رساله **وصیت‌نامه** و به اشتباه افتادن منابع و فهرس در نسبت دادن منابع متعدد به خواجه عبدالخالق است.

یادداشت‌ها

۱. اثری با نام **مسلك العارفين**، در حوزه طریقت خواجهگان، توسط نگارنده (مرضیه راغبیان) در دست تصحیح است که - با توجه به اطلاعات موجود - می‌توان گفت قدیمی‌ترین اثر مستقل و کاملی است که تاکنون در حوزه طریقت خواجهگان، به دست آمده است.
۲. چاپ سنگی شده در ایران با نام **وصیت‌نامه عبدالخالق غجدوانی**: بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا؛ خط: نستعلیق، در صفحات ۲ - ۶ و چاپ سنگی شده در هند، حیدرآباد دکن، ضمن اثری با نام «مجموعه رسائل سلوک طریقه نقشبندیه (اعنی: مراتب الوصول، رساله سلوک طریقه نقشبندیه مجددیه و وصیت‌نامه از حضرت خواجه عبدالخالق غجدوانی)»، در قسمت سوم کتاب و در صفحات ۶۷ و ۶۸ آمده است. چاپ شده در مطبع مفید دکن و بدون تاریخ.
۳. این نسخه که قدیمی‌ترین نسخه اثر در ایران است، دریافت و بررسی شد. کلمات زیادی از نسخه، محو و پاک شده یا ناخواناست. با وجود نام **آداب طریقت**، دقیقاً همان وصیت‌نامه خواجه است.
۴. این نسخه دریافت و بررسی شد. در بخش **تحلیل بن‌مایه‌های وصیت‌نامه** نیز به همین نسخه ارجاع داده شده است.
۵. نسخه دریافت و بررسی شد. با وجود نام «آداب»، دقیقاً همان وصیت‌نامه خواجه است.
۶. نسخه دریافت و بررسی شد. با وجود نام متفاوت، دقیقاً همان وصیت‌نامه خواجه است.
۷. نسخه دریافت و بررسی شد و با وجود نام «آداب طریقت»، دقیقاً همان وصیت‌نامه خواجه است.
۸. نسخه دریافت و بررسی شد.
۹. از این نسخه در فهرستواره **دنا** و فهرست **فنخا** یاد نشده است.
۱۰. از این نسخه نیز در فهرستواره **دنا** و فهرست **فنخا** یاد نشده است.

منابع

الف - منابع چاپی:

۱. افشار، ایرج و محمد تقی دانش‌پژوه (۱۳۶۹) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس، ج ۷ (مجموعه‌ها و جنگ‌ها) یا همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، تهران: نشر هنر، کتابخانه ملی ملک.**
۲. بخاری، صلاح بن مبارک (۱۳۷۱) **انیس الطالبین و عدة السالکین**، به کوشش توفیق هـ سبحانی، تهران: کیهان.
۳. پارسا، خواجه محمد، (۱۳۵۴) **قدسیه**، تصحیح احمد طاهری عراقی، تهران: طهوری.
۴. التهانوی، محمدعلی بن علی (۱۴۰۴ق) **کشاف اصطلاحات الفنون**، المجلد الاول، طبع بتصحیح المولوی محمودجیه و المولوی عبدالحق و المولوی غلام قادر، استانبول: دارقهرمان النشر والتوزیع.
۵. توفیق، هـ سبحانی (۱۳۷۳) **فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه**، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۸۲) **نفحات الأنس من حضرات القدس**، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، ج ۴، تهران: اطلاعات.
۷. الجرجانی، علی بن محمد (۱۳۰۶) **کتاب التعریفات**، طهران، انتشارات ناصر خسرو، الطبعة الاولى.
۸. حسینی اشکوری، سیدجعفر (۱۳۹۱) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی**، جلد ۴۹، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۹. حسینی اشکوری، سیدصادق و یوسف بیگ‌باباپور (۱۳۹۰) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی**، جلد ۴۵، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۰. خانی، عبدالمجید بن محمد (۲۰۰۹) **الحدائق الوردیه فی حقائق اجلاء النقبندیه**، الطبعة الثالثة، اربیل: مطبعة أراس.
۱۱. دانش‌پژوه، محمدتقی و علمی انواری، بهاء‌الدین (بی‌تا) **فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا**، ج اول، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۲. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰) **فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران**، ج ۹، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۴) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران**، ج ۱۷، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰) **فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فخا)**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. السراج الطوسی، ابو نصر (۱۳۸۲) **اللمع فی التصوف**، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، ترجمه دکتر

- مهدی محبتی، تهران: اساطیر.
۱۷. السهروردی، ضیاء‌الدین ابوالنجیب (۱۳۶۳) **آداب المریدین**، ترجمان عمر بن محمد بن احمد شیرکان، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولى.
۱۸. شیرازی، روزبهان بقلی (۱۳۸۲) **شرح شطحیات**، هانری کوربن، ترجمه مقدمه محمدعلی امیر معزی، تهران: طهوری.
۱۹. شیرازی، روزبهان بقلی (۱۴۲۶ق) **مشرب الارواح**، تصحیح **عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. شیرازی، محمد معصوم (۱۳۳۹) **طرائق الحقائق**، ج ۳، تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران: کتابخانه بارانی.
۲۱. شیروانی، زین العابدین (۱۳۶۱) **ریاض السباحه**، تصحیح حسین بدرالدین و اصغر حامد ربانی، تهران، سعدی.
۲۲. صدراپی خوبی، علی و حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۸) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی (قم)**، ج ۷ و ۸، به کوشش و ویرایش مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه مجلس و مؤسسه فرهنگی پژوهشی الجواد مشهد.
۲۳. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۱) **اوصاف الاشراف بانضمام هفت‌بند حلاج**، وصایا غجدوانی، تصحیح نجیب‌مایل هروی، تهران. امام.
۲۴. العبادی، المظفر منصور بن اردشیر (۱۳۴۷) **التصفیه فی احوال المتصوفه: صوفی‌نامه**، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۵. غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۱) **کیمیای سعادت**، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. فاضل، محمود (۱۳۶۷) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گوهرشاد مشهد**، ج ۳، مشهد: کتابخانه جامع گوهرشاد.
۲۷. **فهرس المخطوطات الفارسیه** (التي تقتنیها دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳ م) (۱۹۶۶) **القسم الاول (۱- ش)**، القاهرة: مطبعه دارالکتب.
۲۸. قره بلوط، علیرضا و احمد طوران قره بلوط (بی‌تا) **معجم التاريخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات و المطبوعات)**، الجزء الثاني، ترکیا: دارالعقبه / قیصری.
۲۹. القشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۷۴) **رسالة قشیریة** (ترجمه)، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. کاشفی، حسین بن علی (۱۳۵۶) **رشحات عین الحیاه فی مناقب مشایخ الطریقه النقشبندیه**، علی اصغر معینیان، ج ۱، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
۳۱. مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۸۲) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی**، ج ۳۱، با همکاری گروه فهرست‌نگاران کتابخانه، ج ۱، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله

العظمی مرعشی نجفی.

۳۲. **المعجم المفهرس للمخطوطات العربیه و الاسلامیه فی طشقند (۱۹۹۹م) هیئته الترجمه من الروسيه الی العربیه:** الاستاذ الدكتور نعمه الله ابراهيم، الدكتور زاهدالله منور، الدكتور تیمور مختار، الدكتور رامل شاکر، الطبعه الاولى، بیروت: شرکه للمطبوعات للتوزیع و للنشر.
۳۳. منزوی، احمد (۱۳۶۳) **فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان**، ج ۳، ۴ و ۱۱، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳۴. منزوی، احمد (۱۳۶۹) **فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان**، ج ۱۱، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳۵. منزوی، احمد (۱۳۶۶) **فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان**، ج ۸، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳۶. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی (۱۳۷۱) **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
۳۷. میهنی، محمد بن منور (۱۳۶۶) **اسرار التوحید فی مقامات ابی سعید**، مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه.
۳۸. نفیسی، سعید (۱۳۸۵) **رساله صاحبیه (از عبدالخالق غجدوانی)**، فرهنگ ایران زمین، ج ۱، ۳، تهران: سخن.
۳۹. نفیسی، سعید (۱۳۸۵) **مقامات خواجه غجدوانی و عارف ریوگری**، فرهنگ ایران زمین، ج ۲، ۳، تهران: سخن.
۴۰. هروی، نجیب مایل و سید علی اردلان جوان (۱۳۶۱) **فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی**، ج ۹، ۹، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۱. همایی، جلال‌الدین (۱۳۱۷) **غزالی نامه**، تهران: نشر هما.
۴۲. همدانی، عین‌القضات (۱۳۴۱) **تمهیدات**، تصحیح عقیف عسیران، تهران: دانشگاه تهران.

ب - چاپ سنگی:

۱. غجدوانی، خواجه عبدالخالق (بی‌تا) **وصیت‌نامه خواجه عبدالخالق غجدوانی**، چاپ سنگی، بی‌جا: بی‌نا.
۲. **مجموعه رسائل سلوک طریقه نقشبندیه** (اعنی: مراتب الوصول، رساله سلوک طریقه نقشبندیه مجددیه و وصیت‌نامه از حضرت خواجه عبدالخالق غجدوانی) (بی‌تا)، چاپ سنگی، حیدرآباد دکن: مطبع مفید.

ج - نسخ خطی:

۱. غجدوانی، خواجه عبدالخالق (بی‌تا) **در ذکر وصیت‌نامه خواجه عبدالخالق غجدوانی به خواجه اولیاء**

- کبیر** که فرزند معنوی ایشانند، دست‌نویس ش ۹۳۳۸/۵ تهران: کتابخانه ملی ایران، بی‌کا.
۲. غجدوانی، خواجه عبدالخالق (۹۹۸ق) **رساله در آداب طریقت**، دست‌نویس ش ۸۶۳۲/۲، تهران: دانشگاه تهران، کاتب: محمدبن سلطان محمد شپرغانی.
۳. غجدوانی، خواجه عبدالخالق (۹۹۹ق) **وصایای غجدوانی**، دست‌نویس ش ۱۰۴۵۰/۶، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، کاتب: محمد تبریزی.
۴. غجدوانی، خواجه عبدالخالق (۱۱۷۹ق) **وصیت‌نامه خواجه عبدالخالق غجدوانی** که جهت فرزند معنوی خود، **خواجه اولیاء کبیر** فرموده، دست‌نویس ش ۱۶۱۴۷/۳، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کاتب: زین‌العابدین شریف نائینی فرزند ابوالبقا (کلانتر نائین).
۵. غجدوانی، خواجه عبدالخالق، **وصیت‌نامه** (سده سیزدهم). دست‌نویس ش ۱۷۹۲۰، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بی‌کا.

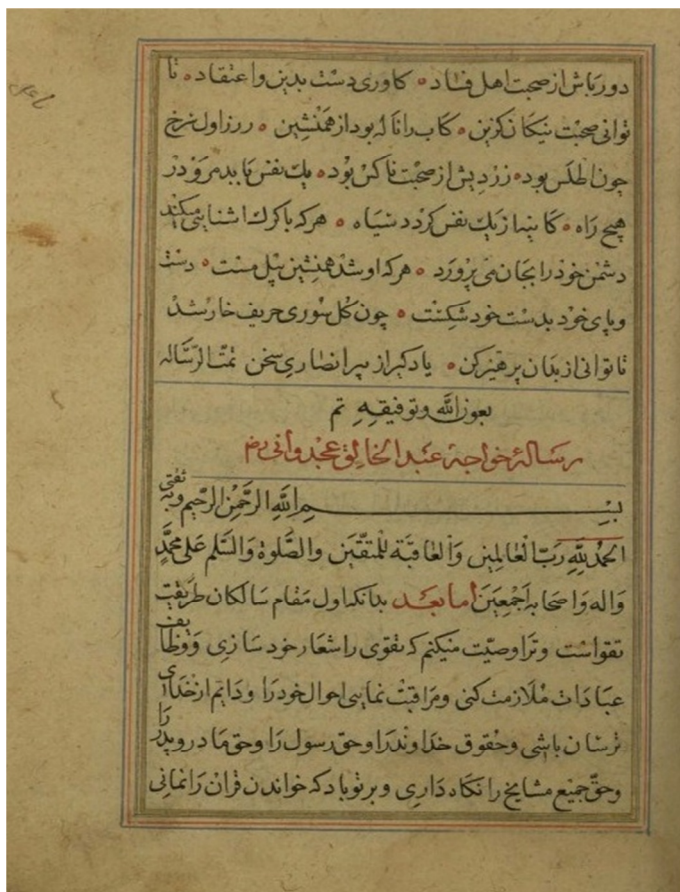
ب - فهرست‌های خارجی‌ای که جستجو شد و فاقد نسخه‌ای از این رساله بودند:

۱. آکیموشکین، ادا و د.د.ک.شف، آم.موگینوف، م.آ. صلاح‌الدین او، ن.د.میکلوخوماکالی (۱۳۷۵) **فهرست نسخه‌های خطی فارسی مؤسسه خاورشناسی فرهنگستان علوم روسیه**، مترجم: عارف رمضان، قم: مؤسسه چاپ الهادی.
۲. بوبارا، حاسو (۱۴۳۳ هـ/ ۲۰۱۱م) **فهرس المخطوطات العربیه والترکیه والفارسیه والبوسنیه فی آرشیف سراییفو تاریخی، الجزء الثاني، لندن / سراییفو**.
۳. قوزگون، عمر (بی‌تا) **فهرس المخطوطات العربیه والترکیه والفارسیه فی مکتبه راغب پاشا، عشر مجلد، سقیفه الصفا العلمیه**.
۴. لافیتش، عثمان (۱۴۳۲ هـ/ ۲۰۱۱م) **فهرس المخطوطات العربیه والفارسیه والبوسنیه فی المکتبه الوطنیه والجامعیه فی البوسنه والهرسک، لندن / سراییفو**
۵. **مجموعه نسخه‌های خطی فارسی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان**، (۱۳۷۵) ج ۳، زیر نظر پروفیسور سیمینوف آ.آ، مترجم: عارف رمضان، قم: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. یحیش، مصطفی (۱۴۳۱ هـ/ ۲۰۱۰ م) **فهرس المخطوطات العربیه والترکیه والفارسیه والبوسنیه فی آرشیف سراییفو تاریخی، الجزء الاول، لندن / سراییفو**

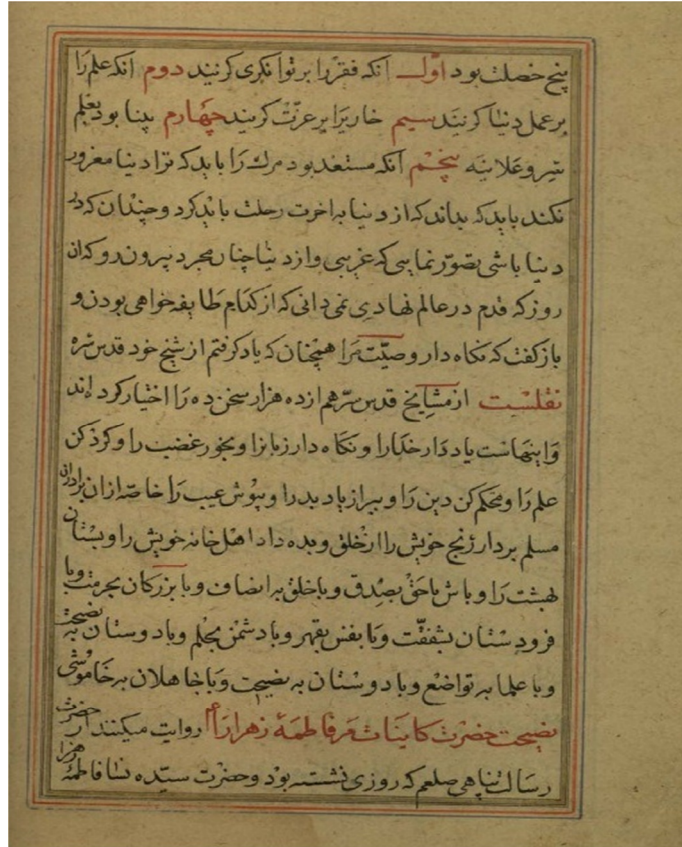
7. Pertsch, Wilhelm (1888). Handshriften Koniglichn Bibliothek Zu Berlin, Berlin.

8. W.Ahlwardt (1899). Handshriften KoniglichnBibliothek zu Berlin, Berlin.

9. E.Bloch. Manuscripts Persans La Bibliotheque Nationale, Paris.



تصویر صفحه نخست وصیت‌نامه، نسخه آستان قدس به شماره ۱۰۴۵۰/۶



تصویر صفحه نخست وصیت‌نامه، نسخه آستان قدس به شماره ۱۰۴۵۰/۶

Abstract**The Codicological Analysis of the Testament and the Mystical Teachings of Abdul Khaliq Ghajdwani, the Founder of Khajegan Mystical School**

Marzieh Raghbian*
 Mohammad Reza Movahed**

Abdul Khaliq, the famous mystic of the 12th century CE and the founder of Khajegan mystical school¹, has written a testament to Khajeh Awliyah. Although several manuscripts of the testament are available, academia has not studied it in its researches and scholarly pursuits. The testament can be regarded as one of the oldest manuscripts about the characteristics of Khajegan mystical school, explaining the ethical principles of this mystical school in its founder's words. Unfortunately, numerous sources and catalogues are mistaken in attributing several works to Ghajdwani, and introducing the testament under inauthentic titles. These two mistakes result in wrongful parsing of the testament, and its introduction in a series of abridged, decontextualized and scattered works. Through studying various manuscripts of the testament, it becomes evident that some of the manuscripts have given either an abridged or annotated account of the original testament. Such manuscripts have both misled scholars to attribute ideas and concepts which did not belong originally to the testament in the first place, and bereft scholars of studying some of its redacted parts.

Through its editions and corrections, the present study amends the common scholarly mistakes of the registered testament in numerous catalogues and sources. In order to achieve this objective and eliminate inauthentic attribution of unoriginal manuscripts to Ghajdwani, the study reviews the existing manuscripts of the testament, and analyzes their styles and contents.

Key words: Abdul Khaliq Ghajdwani, Testament, Khajegan Mystical School, Naqshbandiyeh, Mysticism of the 12th Century CE

* PhD graduated in Persian Language and Literature, Qom, Iran.
 ma.raghebian@gmail.com

** Associate professor, Department of language and Persian literature, Qom University, Qom, Iran. movahedi1345@yahoo.com